

# بررسی ساختار بازار در صنعت بانکداری ایران (۱۳۸۵-۱۳۸۰)

فرهاد خداداد کاشی

عضو هیات علمی سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور

[khfarhad2001@yahoo.com](mailto:khfarhad2001@yahoo.com)

پری جعفری لیلاب

کارشناس ارشد اقتصاد نظری، دانشگاه پیام نور مرکز تهران

[jafarielilab@yahoo.com](mailto:jafarielilab@yahoo.com)

ساختار بازار / تمرکز / موانع ورود / صنعت بانکداری /

## مقدمه

شاخص تمرکز هریشمن هرفیندال.

## چکیده

بانک‌ها به عنوان مهمترین موسسات اقتصادی جامعه عهده‌دار وظیفه خطیر جلب، جذب و هدایت وجوه سپرده‌گذاران هستند و از طریق سوق دادن منابع مالی به فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و بازرگانی و تامین نقدینگی مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی، دارای نقش و تاثیر محوری در رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌باشند. قبل از سال 1357 تعداد زیادی بانک خصوصی در کنار بانک‌های دولتی فعالیت می‌کردند ولی پس از پیروزی انقلاب فعالیت بخش خصوصی در صنعت بانکداری منتفی شد و عملاً این صنعت در تسلط تعداد محدودی بانک دولتی قرار گرفت. در طی سال‌های پس از انقلاب عملکرد نظام بانکی به دلیل ماهیت دولتی و به دلیل انحصار در این بازار با عدم کارایی همراه بوده است و به عبارت دیگر صنعت بانکداری ایران مصداقی از نظریه زندگی آرام بود. البته عدم کارایی نظام بانکی صرفاً ناشی از انحصار نبود بلکه فشار دولت و شرکت‌های دولتی

تجربه بانکداری در ایران به‌ویژه بعد از انقلاب مویده وجود قدرت انحصاری و مصداق داشتن فرضیه زندگی آرام در نظام بانکداری می‌باشد. با توجه به عملکرد نظام بانکداری و پایین بودن سطح کارایی بانک‌ها، دولت در دهه 80 مجوز فعالیت بانکی را به بخش خصوصی اعطا کرد. در این مقاله درصدد هستیم با توجه به مفهوم ساختار بازار و از طریق اندازه‌گیری متغیرهای ساختاری این صنعت، به این سوال پاسخ دهیم که آیا در طی سال‌های مورد بررسی تغییر محسوسی در ساختار این بازار صورت گرفته است و آیا این بازار به سمت رقابت حرکت موثر کرده است یا خیر. یافته‌های تحقیق دلالت بر آن دارد که در دوره بررسی اندازه متغیرهایی همچون تمرکز بازار و موانع ورود در جهت رقابتی شدن بازار تغییر کرده است

برای برخورداری از تسهیلات (ارزان قیمت) تکلیفی نیز مزید علت بود. تجربه نظام بانکداری دولتی در دو دهه پس از انقلاب دلالت بر آن داشت که انحصار بانک‌های دولتی در این بازار نتیجه مناسبی را در بر نداشته است و لذا صدور مجوز برای فعالیت بخش خصوصی در صنعت بانکداری در دستور کار دولت قرار گرفت. از طرف دیگر بنا بر قانون برنامه چهارم و همچنین با توجه به تاکید سیاست‌های کلی اصل 44 بر خصوصی شدن تمامی بانک‌های دولتی بجز بانک ملی، بانک سپه و چند بانک تخصصی افزایش نقش بخش خصوصی و رقابتی شدن صنعت بانکداری با هدف افزایش کارایی و بهبود عملکرد مورد توجه قرار گرفت. در این مقاله با توجه به داده‌های در دسترس در صدد ارزیابی درجه رقابت در صنعت بانکداری می‌باشیم. برای این منظور با عنایت به مفهوم ساختار بازار و اجزای آن، تحلیلی از وضعیت ساختار بازار و شدت رقابت (انحصار) در این بازارها ارائه می‌دهیم.

بر این اساس، مسئله محوری این مقاله ارزیابی متغیرهای ساختاری صنعت بانکداری ایران می‌باشد. با اندازه‌گیری متغیرهای ساختاری همچون تمرکز، سهم بازار بانک‌ها و تحول آن در طی زمان و شناسایی میزان موانع ورود امکان شناخت ماهیت رقابت و انحصار در این بازار فراهم خواهد آمد. البته انتظار می‌رود که در طی سال‌های اخیر بدلیل ورود بخش خصوصی به بازار میزان انحصار در این بازار کاهش یافته باشد.

## 1. ساختار بازار

در هر بازاری برای بررسی ماهیت رقابت و انحصار معمولاً متغیرهای ساختاری شناسایی و ارزیابی می‌شوند. ساختار یک بازار به معنای ترتیب قرار گرفتن اجزای مختلف یک کل در کنار هم می‌باشد. درجه تمرکز خریداران و فروشندگان، تفاوت کالا، صرفه‌های مقیاس و شرایط ورود به بازار از جمله عوامل تعیین‌کننده ساختار بازار می‌باشند. چنانچه درجه بالای تمرکز و موانع مرتفع در مقابل ورود بنگاه‌های جدید، می‌تواند منجر به شکل‌گیری انحصار در آن بازار گردد. ساختار بازار به دلیل تأثیری که بر عملکرد بازار (قیمت، سود، کارایی و بهره‌وری بازار) دارد

حائز اهمیت فراوانی است. برای بررسی ساختار بازار، از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که شاخص‌های تمرکز و موانع ورود از آن جمله‌اند.

## تمرکز

تمرکز یکی از جنبه‌ها و ابعاد مهم ساختار بازار می‌باشد که نشان می‌دهد بازار تا چه اندازه به رقابت نزدیک یا از آن دور است. تمرکز بیانگر نحوه توزیع بازار بین بنگاه‌های مختلف می‌باشد و معرف دو جنبه یعنی تعداد بنگاه‌ها و نابرابری در توزیع سهم بازار بنگاه‌ها می‌باشد. [1] بر اساس نظریه قدرت بازار، [2] وجود تمرکز بالا در یک صنعت، منجر به کسب سود انحصاری می‌شود. برای اندازه‌گیری تمرکز در یک صنعت از شاخص‌های مختلف تمرکز استفاده می‌شود که در ادامه به معرفی دو مورد از این شاخص‌ها که کاربرد بیشتری در مطالعات مربوط به تمرکز دارند، می‌پردازیم:

الف - شاخص نسبت تمرکز  $n$  بنگاه برتر: عبارت است از سهم تولید یا سهم بازاری که  $n$  بنگاه بزرگ صنعت در اختیار دارند یعنی:

$$C_n = \frac{\sum_{i=1}^n q_i}{q} = \frac{\sum_{i=1}^n S_i}{1} \quad (1)$$

که در آن  $q_i$  میزان تولید هر بنگاه،  $q$  کل اندازه بازار و  $S_i$  سهم بازاری بنگاه  $i$ ام می‌باشد. هر چه بازار بین بنگاه‌ها ناعادلانه‌تر توزیع شده باشد، تمرکز بیشتر خواهد بود. سهم بازار در مطالعات مربوط به بانک بر اساس میزان سپرده جذب شده و یا وام‌ها و تسهیلات اعطا شده توسط سیستم بانکی، اندازه‌گیری می‌شود. هر چه سهم بازار بنگاه‌های رهبر (برتر) در یک بازار بیشتر باشد، شاخص تمرکز عدد بزرگتری خواهد بود.

ب - شاخص تمرکز هیرشمن - هرfindال: [3] دومین شاخصی که به صورت گسترده در مطالعات تجربی برای اندازه‌گیری تمرکز مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص تمرکز هیرشمن - هرfindال می‌باشد. در این شاخص اطلاعات مربوط به تمام بنگاه‌ها لحاظ می‌شود و برابر است با مجموع مربعات سهم همه بنگاه‌های فعال در صنعت.

$$H = \sum_{i=1}^N \left( \frac{q_i}{q} \right)^2 = \sum_{i=1}^N S_i^2 \quad (2)$$

این شاخص برای بنگاه‌های بزرگتر وزن بیشتری را لحاظ می‌کند.

## موانع ورود

موانع ورود یکی دیگر از متغیرهای ساختاری می‌باشد که بیانگر ماهیت انحصار و تمرکز بازار می‌باشد. موانع ورود به یک بازار به دلیل اثرات ضد رقابتی از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات تجربی برخوردار است. نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که رفتار غیررقابتی و انواع ائتلاف‌ها در بسیاری موارد به دلیل شرایط ورود سخت به بازار بوده است. موانع ورود گاه‌ها دارای منشا بیرونی بوده و در برخی موارد دارای منشا طبیعی و به دلیل مقتضیات درونی بازار می‌باشد. تفاوت کالا، تبلیغات، مزایای مطلق هزینه‌ای و صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس از جمله مهمترین موانع ورود می‌باشند. بعضی از نویسندگان معتقد هستند که قدرت بازار به معنی توانایی یک بنگاه در تعیین قیمت فراتر از هزینه نهایی، به‌عنوان دارایی مشترک بین بنگاه‌ها بوده و لذا بنگاه‌ها به هر وسیله‌ای از جمله ائتلاف و همکاری، مانع ورود دیگران خواهند شد تا از مزایای این دارایی برخوردار شوند. در خصوص موانع ورود به بازار، نظریات متفاوت از ساده تا پیچیده ارائه شده است که قابل دسته‌بندی در دو گروه کلی «موانع ورود قیمتی» و «موانع ورود استراتژیک» می‌باشند. [4] هر دو دلالت بر این دارند که بنگاه‌های قدیمی به روش‌های مختلف در صدد ممانعت از ورود تازه واردین و تضمین سود بلندمدت خود می‌باشند. اسپنس [5] (1983) اولین نویسنده‌ای بود که از ظرفیت اضافی به‌عنوان یک مانع ورود یاد می‌کند. او در مشاهدات خود متوجه شد بنگاه‌های قدیمی همواره دارای ظرفیت اضافی نسبت به نیاز بازار می‌باشند. با توجه به آنکه ایجاد ظرفیت اضافی به مثابه یک سرمایه‌گذاری برگشت‌ناپذیر است لذا می‌توان اظهار داشت، بنگاه‌هایی که مبادرت به این کار می‌کنند در واقع تازه واردین را تهدید می‌کنند که در صورت ورود، عرضه محصول را افزایش و قیمت بازار را کاهش خواهند داد و به این ترتیب بر

انتظارات بنگاه‌های بالقوه تاثیر می‌گذارند.

از دیگر روش‌هایی که بنگاه‌های قدیمی جهت ممانعت از ورود رقیب جدید به بازار از آن استفاده می‌کنند، می‌توان به تولید یک محصول با آرم و نشانه‌های خاص اشاره کرد. در این حالت بنگاه‌های قدیمی بازار را مملو از انواع مختلف یک محصول می‌نمایند تا جوابگوی انواع علائق و ذائقه‌ها باشند و به این ترتیب فضای کافی برای سایرین وجود نداشته باشد. در نقطه مقابل این نظریات، نظریه بازارهای منازعه‌ای بامول (1982) [6] قرار دارد. بنا به تعریف یک بازار وقتی منازعه‌ای است که ورود به آن برای رقیب جدید کاملاً آزاد باشد. این نظریه بر دو فرض اساسی استوار است:

1- بنگاه‌های بالقوه و قدیمی داری ساختار هزینه مشابه هستند.

2- ورود و خروج به بازار برای تازه واردین فاقد هزینه است.

طبق این نظریه استقرار رقابت کامل و وجود سود صفر مستلزم وجود تعداد زیاد بنگاه‌ها نیست بلکه مادامی که در عکس‌العمل به افزایش قیمت نسبت به هزینه نهایی، یک یا چند بنگاه به بازار وارد شوند، سود در درازمدت به صفر گرایش پیدا می‌کند.

روش‌های مختلفی برای ارزیابی موانع یا ارتفاع موانع ورود در یک صنعت وجود دارد برای مثال اگر موانع ورود، برتری‌های بنگاه‌های قدیمی بازار در مقابل بنگاه‌هایی که قصد ورود به بازار دارند تعریف شود، در این حالت، موانع ورود برابر تفاوت بین قیمت وضع شده کالا و هزینه متوسط تولید می‌باشد. بدون آنکه این تفاضل، انگیزه بنگاه‌های دیگر را برای ورود به بازار تحریک کند. به حداکثر قیمتی که بنگاه‌های قدیمی می‌توانند برقرار کنند بدون اینکه بنگاه‌های بالقوه جذب بازار شوند، حداکثر قیمت مانع ورود اطلاق می‌شود. بر اساس این تعریف موانع ورود برابر درصدی از تفاوت حداقل هزینه متوسط بنگاه‌های موجود از حداکثر قیمت وضع شده، می‌باشد. ولی یک روش پیشنهادی در مطالعات تجربی این است که کاهش سهم بازار بنگاه‌های قدیمی را به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری موانع ورود لحاظ کنیم.

مطالعات فراوانی به بررسی ساختار بازار و تاثیر آن بر عملکرد سیستم بانکی پرداخته‌اند. ساختار بازار در این مطالعات بر اساس

## جدول 1- سهم بازار بانکهای مختلف بر حسب وام و

### تسهیلات اعطایی توسط هر بانک

بانک	1380	1381	1382	1383	1384	1385
ملی	0/096033	0/093887	0/093432	0/09289	0/082549	0/080331
صادرات	0/092004	0/093117	0/09145	0/089943	0/080718	0/078875
سپه	0/089095	0/09	0/081469	0/081448	0/079044	0/077977
تجارت	0/092918	0/090958	0/088617	0/086863	0/07688	0/074114
رفاه	0/085121	0/084257	0/084038	0/084503	0/074705	0/072728
صنعت و معدن	0/078542	0/071083	0/076583	0/078462	0/071359	0/070827
کشاورزی	0/090496	0/089757	0/088549	0/087877	0/071697	0/076976
مسکن	0/089326	0/088487	0/086824	0/086106	0/077849	0/076696
توسعه صادرات	0/078203	0/079357	0/077803	0/078777	0/07049	0/069133
اقتصاد نوین	0/086223	0/079518	0/081007	0/075745	0/056822	0/055959
سامان	0/062669	0/069653	0/072281	0/074781	0/06935	0/06884
پارسیان	0/05937	0/069927	0/077948	0/082604	0/062916	0/064038
سرمایه	0	0	0	0	0	0/058296
پاسارگاد	0	0	0	0	0/075956	0/07521
جمع خصوصی	0/208262	0/219098	0/231236	0/233131	0/314709	0/322344
جمع دولتی	0/791738	0/780902	0/768764	0/766869	0/685291	0/677656

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همانطور که ملاحظه می‌شود، بیشترین سهم بازار در طی سال‌های مورد بررسی مربوط به بانک ملی می‌باشد. که البته در این فاصله زمانی کاهش یافته است. بانک‌های خصوصی در سال 1381 تنها 20 درصد بازار را در اختیار دارند اما با گذشت زمان سهم بازار این نوع بانک‌ها به 32 درصد افزایش و در مقابل سهم بازار بانک‌های دولتی از 79 درصد در سال 1380 به 67 درصد در سال 1385 کاهش یافته است. سهم بازار بانک‌ها بر حسب میزان سپرده جذب شده نیز قابل اندازه‌گیری است. نتایج حاصل از این برآورد در جدول (2) گزارش شده است.

عناصری چون تمرکز، موانع ورود و صرفه‌های مقیاس اندازه‌گیری شده است. در این زمینه می‌توان به نتایج تحقیقات بسانکو و تاکور (1992) [7] اشاره کرد. طبق یافته‌های این محققان با کاهش تمرکز در بازار بانکی، نرخ سود وام‌ها کاهش و نرخ پرداختی به سپرده‌ها افزایش می‌یابد. براساس تحقیقات استیگلتر، مورداک و هلمن (2000) [8] با افزایش رقابت، بانک‌ها جهت افزایش سهم بازار خود به افزایش سود پرداختی به سپرده‌ها اقدام می‌کنند و چنین مساله‌ای منجر به کاهش سوددهی به‌عنوان شاخص عملکرد بانک می‌شود. شافر (1989) [9] نشان می‌دهد که با افزایش تعداد بانک‌ها، احتمال دریافت وام‌های ریسک‌دار افزایش می‌یابد و در نتیجه عملکرد بانک تحت تاثیر قرار می‌گیرد. میلر (1996) [10] در مطالعه خود بر تاثیر مثبت ادغام‌های بانکی بر عملکرد سیستم بانکی آمریکا تاکید می‌کند. در صورتیکه گزمان (2000) [11] در تحقیق دیگری که به انباشت سرمایه در یک محیط انحصاری می‌پردازد، اعلام می‌کند که افزایش تمرکز و وجود انحصار در سیستم بانکی موجب کاهش انباشت سرمایه می‌شود و انحصار را به‌عنوان مانعی بر سر راه ثبات مالی و رشد اقتصادی قلمداد می‌کند. آنجلینی و سیتورلای (1999) [12] به همراهی افزایش کارایی و رقابت در صنعت بانکداری ایتالیا اشاره دارند.

## 2. ارزیابی ساختار بازار صنعت بانکداری ایران

بر اساس آنچه که ذکر شد در ادامه به اندازه‌گیری شاخص‌های ساختار بازار بانکی می‌پردازیم. محاسبه این شاخص‌ها، مستلزم محاسبه سهم بازار بانک‌های مختلف می‌باشد. در مطالعه حاضر سهم بازار بانک‌های مورد مطالعه بر حسب دو شاخص اندازه‌گیری شده است.

1- میزان وام و تسهیلات اعطا شده توسط هر بانک به بخش خصوصی.

2- میزان سپرده جذب شده توسط هر بانک.

جدول (1) سهم بازار بانکهای مختلف را بر اساس میزان وام و تسهیلات اعطایی توسط هر بانک نشان می‌دهد.

## جدول 2- سهم بازار بانکهای مختلف بر حسب

### سپرده جذب شده توسط هر بانک

بانک	1380	1381	1382	1383	1384	1385
ملی	0/0961	0/092075	0/091068	0/090387	0/078792	0/076427
صادرات	0/096505	0/094488	0/092927	0/092058	0/080815	0/077931
سپه	0/093304	0/09052	0/087211	0/088841	0/07801	0/076054
تجارت	0/094862	0/091808	0/090835	0/090023	0/078853	0/076254
رفاه	0/087578	0/085314	0/085085	0/084758	0/073917	0/071614
صنعت و معدن	0/074645	0/072968	0/072773	0/074596	0/066543	0/066336
کشاورزی	0/089597	0/088864	0/08523	0/083303	0/076793	0/074408
مسکن	0/090797	0/087894	0/086752	0/086971	0/076854	0/074728
توسعه صادرات	0/07543	0/07517	0/074869	0/073832	0/065009	0/065304
قتصاد نوین	0/079213	0/079359	0/081607	0/07574	0/063983	0/06533
سامان	0/064305	0/069172	0/072645	0/075557	0/069144	0/068647
پارسیان	0/057666	0/07237	0/078997	0/083933	0/0766	0/074823
سرمایه	0	0	0	0	0/039546	0/05829
پاسارگاد	0	0	0	0	0/075141	0/073854
جمع خصوصی	0/201184	0/220901	0/233249	0/235229	0/324414	0/340944
جمع دولتی	0/798816	0/779099	0/766751	0/764771	0/675586	0/659056

ماخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به آنکه چهار بانک ملی، صادرات، سپه و تجارت، در طول دوره زمانی مورد بررسی، سهم عمده ای از بازار وام و سپرده را به خود اختصاص داده اند در نتیجه شاخص تمرکز 4 بنگاه برتر بازار با استفاده از سهم بازار این 4 بانک محاسبه شد. نتایج حاصل از این بررسی در جدول (3) گزارش شده است.

### جدول 3- محاسبات مربوط به شاخص تمرکز

#### بنگاه برتر

CR4						
1385	1384	1383	1382	1381	1380	
0/38	0/39	0/44	0/44	0/45	0/47	بر حسب سپرده جذب شده
0/38	0/38	0/44	0/44	0/45	0/46	بر حسب وام و تسهیلات اعطایی

ماخذ: یافته‌های تحقیق

ارقام جدول (3) دلالت بر آن دارد که نسبت تمرکز چهار بنگاه بر حسب سپرده جذب در سال 1380 معادل 47٪ می‌باشد که با گذشت زمان به 38٪ کاهش می‌یابد. در طی دوره مورد بررسی، میزان تمرکز در صنعت بانکداری ایران بر حسب متغیر وام و تسهیلات اعطایی از 46٪ به 38٪ کاهش یافت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در طی سال‌های 1380 تا 1385 میزان تمرکز در صنعت بانکداری ایران کاهش یافت. البته نباید از نظر دور داشت که اندازه تمرکز بر حسب CR4 صرفاً متأثر از سهم بازار بانک‌های دولتی است.

### جدول 4- محاسبات مربوط به شاخص تمرکز

#### هرفیندال

شاخص هرشمن هرفیندال						
1385	1384	1383	1382	1381	1380	
0/071	0/072	0/083	0/083	0/084	0/085	بر حسب سپرده جذب شده
0/0722	0/071	0/083	0/084	0/084	0/085	بر حسب وام و تسهیلات اعطایی

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همانطور که ملاحظه می‌شود، درجه تمرکز علی‌رغم کاهش آن در سال‌های تحقیق، همچنان بالاست. به طور کل، بر مبنای نتایج مندرج در جداول (3) و (4) می‌توان گفت درجه تمرکز در بازار بانکی ایران بالاست و در طی سال‌های مورد بررسی کاهش یافته است.

همانطور که ملاحظه می‌شود وضعیت سهم بازار بر حسب سهم بازار بانک‌ها بر اساس میزان تسهیلات ارائه شده توسط سیستم بانکی، مشابه وضعیت قبلی ذکر شده در بالا می‌باشد. تنها تفاوت در این است که در حالت دوم، طی دوره زمانی تحقیق، سهم بازار بانک‌های خصوصی در جذب سپرده بیشتر از سهم بازار این بانک‌ها در حالتی است که این شاخص بر اساس میزان وام و تسهیلات اعطایی اندازه گیری می‌شود.

### اندازه‌گیری تمرکز در صنعت بانکداری ایران

برای اندازه‌گیری درجه تمرکز از دو شاخص هریشمن - هرفیندال و شاخص تمرکز n بنگاه برتر (رهبر) صنعت استفاده شد.

## اندازه‌گیری موانع ورود

با بررسی تاریخی نظام بانکداری ایران از سال 1357 تا سال 1380 مشخص می‌شود که هیچ بنگاه خصوصی به بازار وارد نشده است و این امر ناشی از الزامات قانونی بوده است و در واقع بانک‌های قدیمی زیر چتر حمایت قانون و با توجه به عدم امکان ورود بانک‌های جدید، از موقعیت انحصاری بر خوردار بوده‌اند، ولی پس از سال 1378 بنگاه‌های جدید اجازه ورود به این صنعت را پیدا کردند و موقعیت انحصاری بانک‌های دولتی را تحدید نمودند. در جدول (5) میزان ورود به بازار بانکی ایران برحسب تغییر سهم بازار بانک‌های دولتی (به‌عنوان بانک‌های قدیمی صنعت) بیان شده است.

### جدول 5- اندازه ورود در صنعت بانکداری ایران

نرخ تغییر سهم بازار بانک‌های دولتی	1380	1381	1382	1383	1384	1385
برحسب وام و تسهیلات اعطایی	-	-10	-0/2	-1/5	-1/3	-1/1
برحسب سپرده جذب شده	-	-11	-0/2	-1/5	-2/4	-2/4

ماخذ: یافته‌های تحقیق

سهم بازار اقداماتی جهت تمایز خدمات خود با سایر بانک‌ها بکار بستند که نتیجه آن بصورت عملکرد بهتر آن‌ها در ارائه خدمات ظاهر شد. بر این اساس ملاحظه می‌شود که ساختار این صنعت که از طریق متغیرهایی مثل تمرکز، موانع ورود و تمایز کالا قابل شناسایی و ارزیابی است دچار تحول در جهت رقابتی شدن شد. البته انتظار می‌رود با تغییر ساختار بازار بانکداری ایران رفتارهای استراتژیک و عملکرد بانک‌ها نیز دچار تحول شود. از آنجا که ساختار نظام بانکی ایران با شرایط مطلوب رقابتی فاصله دارد و هنوز عملکرد بانک‌ها در سطح مطلوب قرار ندارد انتظار می‌رود با فراهم شدن فضا برای ورود بخش خصوصی به این بازار و عرضه سهام بانک‌ها در بورس و کاهش موانع ورود به صنعت بانکداری و بهبود نظارت بر عملکرد آن، رفتار بانک‌ها به ترتیبی تغییر کند که کارایی و رقابت در این صنعت در حد مطلوب قرار گیرد.

### پی‌نوشت

1. خدادا کاشی، فرهاد، بررسی ساختار بازار و عملکرد بازار نظریه و کاربرد آن در بخش صنعت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ص 93، 1376.
2. Market-power.
3. Hirschman-Herfindahl.
4. برومند، شهرزاد، اقتصاد صنعتی (سازماندهی صنعتی)، پژوهش‌کننده امور اقتصادی، ص 63، 1384.
5. Spence.
6. Baumol.
7. Bosanko and Thakor.
8. Stiglitz & Murdock & Hellmann.
9. Shaffer.
10. Miller.
11. Guzman.
12. Angelino & Cetorelli.

### منابع

- احمدیان، مجید، اقتصاد صنعتی (با رویکرد نوین)، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، 1384.
- خداداد کاشی، فرهاد، نظریه ساختار و عملکرد بازار، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1376.

همانطور که از ارقام مندرج در جدول (5) بر می‌آید، سهم بازاری بنگاه‌های قدیمی صنعت کاهش یافته است که دلیلی بر کاهش موانع ورود به این صنعت و تغییر در ساختار بازار می‌باشد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظام بانکداری ایران پس از انقلاب همواره تحت کنترل و تسلط دولت بوده است و در واقع با توجه به ماهیت دولتی آن این بازار از تمرکز صد در صد برخوردار بوده است و یا به عبارت دیگر به شکل انحصار کامل دولتی اداره می‌شد. انحصار دولتی بانک‌ها با عدم کارایی همراه بود و بر همین اساس طبق اسناد بالا دست کشور این بازار نیز باید متحول شود. در طی دهه 80 شاخص‌های ساختاری صنعت بانکداری ایران از جمله تمرکز و موانع ورود دچار تغییراتی در جهت افزایش رقابت شدند. البته نباید از نظر دور داشت که در دهه 80 بویژه در سال‌های پایانی آن بانک‌ها اعم از دولتی و خصوصی به منظور جذب مشتریان بیشتر و حفظ

- Unions, *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 12, No. 1. (Feb., 1980), pp. 58-70.
- Miller, S. M. and A. G. Noulas. "The Technical Efficiency of Large Bank Production," *Journal of Banking and Finance*, 20 (3), pp. 495-309, 1996.
- Molyneux, P., Thornton, J., Determinants of European Bank Profitability: A note. *Journal of Banking and Finance* 16, pp 1173-1178, 1992.
- Moshe Kim, Scale Economies in Banking: A Methodological Note, *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 17, No. 1. (Feb., 1985), pp. 96-102.
- Phil Molyneux, Economies of Scale and Scope in European Banking Applied Financial Economics, Publication Details, Including Instructions for Authors and Subscription. May, 1986), pp. 220-226.
- Shaffer, S. Competition in the U.S. Banking Industry. *Economics Letters* 29, 321-323, 1989.
- Spence, A.M. Contestable markets and theory of industry structure: a review article, *Journal of Economic literature*, 1983, 21, 981-990.
- William C. Hunter; Stephen G. Timme, Technical Change, Organizational Form, and the Structure of Bank Production, *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 18, No. 2. (May, 1986), pp. 152-166.
- Yener Altunbas and Phil Molyneux. Economies of Scale and Scope in European Banking, Applied Financial Economics, (1996), Vol. 6, p.p. 367-375.
- H. Young Kim, Economies of Scale and Economies of Scope in Multiproduct Financial Institutions: Further Evidence from Credit Unions, *Journal of Money, Credit and Banking* (May 1986), Vol. 18.
- S.H. Zonnoor, S. Honarvar, Economies of scale and economies of scope in a multiproduct cost study of Iran's commercial banks. The 8th conference on money and banking monetary and banking research institution, Tehran, Iran, (1994).
- برومند، شهرزاد، اقتصاد صنعتی (سازماندهی صنعتی)، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، 1384.
- جعفری لیلاب، پری، بررسی صرفه‌های مقیاس در صنعت بانکداری ایران 85-1380، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، 1387.

#### مقاله:

- Angelino, P., Cetorelli, N., Bank Competition and Regulatory Reform: The Case of the Italian Banking Industry, Working Paper, Research Department, Federal Reserve Bank of Chicago, PP,99-32, 1999.
- Athanasoglou, P., Brissimis, S. and Delis, M., Bank-specific, Industry-Specific and Macroeconomic Determinants of Bank Profitability, Online at <http://mpr.ub.uni-muenchen.de>, 2005.
- Baumol, W.J., Contestable Markets: an Uprising in Theory of Industry Structure. *American Economic Review*, 1982, 72, 1-15.
- Besanko, D. & Thakor, A.V. "Banking Deregulation: Allocational Consequences of Relaxing Entry Barriers: *Journal of Banking and Finance* 16:909-32, 1992.
- Guzman "Bank Structure, Capital Accumulation and Growth: A Simple Macro-Economic Model" *Economic Theory* 16:421-55, 2000.
- Hellmann, T.F. & Murdock, K. & Stiglitz, J. (2000) "Liberalization, Moral Hazard in Banking and Prudential Regulation: IS Capital Requirements Enough?" *American Economic Review* 90(1)"147-65, 2000.
- James Kolari; Asghar Zardkoohi, Economies of Scale and Scope in Thrift Institutions: The Case of Finnish Cooperative and Savings Banks, *the Scandinavian Journal of Economics*, Vol. 92, No. 3. (Sep., 1990), pp. 437-451.
- John D. Murray; Robert W. White, Economies of Scale and Deposit-Taking Financial Institutions in Canada: Study of British Columbia Credit